

## بنیاد خانواده در منظومه‌ی لیلی و مجنون نظامی گنجوی

دکتر حشمت ا... آذر مکان<sup>۱</sup>

دکتر فرامرز خجسته<sup>۲</sup>

فریبا آراسته<sup>۳</sup>

چکیده:

با ورود جبری تجدد و فروپلشی خانواده‌های گسترده‌ی پدر سالار پیشین و گذار و تقلیل این سازه‌ی اجتماعی به واحدهای هسته‌ای و کوچک، بی آن که زمینه‌های ذهنی و عینی آن تولید و شکل گرفته باشد، بیم آن می‌رود که این مهم‌ترین نهاد اجتماعی در روزگار ما نتواند کارکردهای به‌هنگار اسلامی و اجتماعی خود را به درستی انجام دهد از این رو، گفتگو از خانواده و جایگاه و کنش‌های بی‌شمار آن بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در منظومه لیلی و مجنون نظامی، نمودهایی از خانواده و کنش‌های آن را می‌توان دید که قابل بررسی و تحلیل است. خانواده در لیلی و مجنون، خانواده‌ای مردسالار، گسترده، تک‌همسر و به دور از نقش‌های هم‌ای اعضا است.

این پژوهش با آن سر است تا با بهره‌گیری روش‌مندانه از تکنیک تحلیل محتوا و توصیف بن‌مایه‌های این گنجینه و از طریق مطالعه بینامتنی به درون این منظومه‌ی رخنه‌نموده تا ابعاد، جلوه‌ها و ساحت‌های گوناگون خانواده در آن را نشان دهد.

واژگان کلیدی: خانواده، نظامی گنجوی، لیلی و مجنون.

مقدمه:

کوچک شدن جهان، گسترش فضاها، مجازی، توسعه ارتباطات و فن‌آوری و پی‌آمدهای دیگر جهان نوین، همه چیز را خواه ناخواه تحت تأثیر قرار داده است و خانواده ن‌یز به عنوان نمادی مقدس، بدون تردید از این تغییرات پذیرفته و دست‌خوش تحولات و چالش‌های اجتناب‌ناپذیری شده است؛ از این رو تحقیق و تفحص در این مهم‌ترین نهاد اجتماعی، بیش از پیش ضروری است. درک و شناخت هر گونه پدیده‌ی اجتماعی نوین، در گرو شناخت پیش‌ترینه و گذشته‌ی آن است تا روند تکاملی آن، به شکلی روشن‌تر معلوم گردد.

یکی از راه‌های این گونه بررسی‌ها، مطالعه در لابه‌لای گنجینه‌های ادبی در خلال روزگاران است و یکی از گنج‌بخش‌های عرصه‌ی ادب، نیز نظامی است و چون تاکنون بنیاد خانواده در لیلی و مجنون آن هم به صورت مستقل مورد کاوش قرار نگرفته است، با نگارش این مقاله می‌توان پرتویی بر این منظومه و گفتمان عصر نظامی انداخت تا تعریفی روشن‌تر و انسانی‌تر از نقش و جایگاه خانواده و تطوّر آن تا این جا و در جامعه‌ی کنونی ارائه گردد.

1- استادیار دانشگاه زبان و ادبیات فارسی هرمزگان

hazarmakan@gmail.com

2- استادیار دانشگاه زبان و ادبیات فارسی هرمزگان

Faramarz.khogasteh@gmail.com

Arasteh\_fariba@yahoo.com

3- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

فرضیات این مقاله این است که ؛ اولاً فضای عاطفی، روحیات، عشق و به طور کلی عالم معنا در ناخودآگاه شخصیت‌های قصه متناسب با گوناگونی زمینه های قومی و فرهنگی آنها است. دوم اینکه رفتار نقش آفرینان در این منظومه با زمینه های فرهنگی و اجتماعی متفاوت که پس زمینه این منظومه است هماهنگی و تناسب مشهودی دارد . بر مبنای همین فرضیات ، سوالاتی نیز مطرح می گردد از جمله این که : خانواده و روابط ناشی از آن چه صورت‌ها و جای‌گاهی در لیلی و مجنون و در نوع نگاه او دارد؟ مؤلفه‌های اصلی این منظومه در ارتباط با کارکردها و پایه و اساس خانواده کدام است؟ برای ره یافت به این اهداف و پاسخ به این پرسش ها و اثبات فرضیه ها در این مقاله از تکنیک پژوهشی تحلیل محتوا سود برده شده است.

ابتدا به مفاهیم اساسی و بنیادین خانواده و نظریه پردازی در این خصوص پرداخته خواهد شد ، سپس نظامی و یکی از شاهکارهای جاودانه او یعنی لیلی و مجنون مورد سنجش قرار می گیرد و در بخش اصلی به تحلیل دیدگاهها و نقطه نظرها و جلوه‌های خانواده در لیلی و مجنون خواهیم پرداخت .

### 1- مبانی نظری خانواده:

یکی از پیچیده ترین و در عین حال مهم ترین مباحث علوم اجتماعی ، جامعه شناسی خانواده است . درباره این بنیادی‌ترین هسته‌ی اجتماعی، بحث‌های زیادی شده است . یکی از جالب‌ترین این گفتگوها مقوله‌های فلسفی است و بنیاد آن بر این پایه است که آیا خانواده عینیت یا وجود خارجی دارد یا سازه ای ذهنی است؟ از جمله این صاحب نظران "جان برناردز" است؛ وی در اثر خود به نام "درآمدی به مطالعه‌ی خانواده" در بحثی که با عنوان "معنی خانواده" باز می کند سعی نموده این موضوع را آشکار نماید : بیشتر نظریه پردازان عینیت خانواده را پذیرفته و قبول کرده‌اند با این حال برخی از آن‌ها در آمریکا و انگلستان این پرسش را طرح نموده اند که آیا خانواده ما به ازاء خارجی هم دارد؟ (برناردز 9:1388)

اما در اینکه این پدیده اجتماعی در خارج از ذهن وجود دارد ، هیچ گونه شک و شبهه‌ای نیست. وجود هر یک از ما که زاده و پرورده‌ی درون خانواده های خود هستیم، نشان از آن دارد که خانواده وجود دارد. خانواده نیز مانند هر پدیده‌ی دیگر اجتماعی، همپا و همراه خود بشر دچار تحول و تغییرات اساسی و بنیادینی گشته است؛ صاحب نظران برای خانواده دوران گذار متعددی قائل هستند. فردریک انگلس در منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت . آراء مورگان و باکوفن از مردم شناسان و از اولین دانشمندانی که در این مورد به تحقیق پرداخته است را چنین جمع بندی نموده است.

به نظر مورگان خانواده از چند مرحله گذر نموده که عبارتند از :

#### 1- دوران توحش شامل دوره های :

الف) کودکی نژاد انسانی  
ب) مرحله ی میانی

#### 1-2- دوران بربریت شامل :

الف) مرحله‌ی پایینی که با کشف آتش و سفال‌گری شروع شده است.

ب) مرحله‌ی بالایی که با ذوب فلز و پیدایش خط آغاز می شود (انگلس، 1386: 36-31).

اساس خانواده ، بر پایه‌ی ازدواج وسامان گرفتن روابط جنسی و تولید مثل است . بر این پایه می توان ، انواع خانواده را از زمان پیدایش انسان به ترتیب تقسیم بندی کرد.

## 2- انواع خانواده

الف) خانواده همخون؛ این نوع، نخستین مرحله تشکیل خانواده است. در این جا، گروه‌های خانواده بر پایه ی نسل، رده بندی می‌شوند که همه مردان و زنان همسران یکدیگرند.

ب) خانواده پانالوایی؛ این نوع پیشرفته از خانواده همخون بوده و در آن ازدواج میان برادر و خواهر ممنوع بود است.

پ) خانواده کلرگیری؛ در این نوع زن و مرد همسران متعدد داشته اند اما یک مرد و یک زن شوهر و زوجه ی اصلی هم دیگر بوده‌اند.

ت) خانواده ی تک همسری؛ این نوع خانواده بر سروری مرد استوار است که پس از خانواده یا ر گیری شکل گرفته و یکی از نشانه‌های آغاز عصر تمدن است.

برخی از نظریه پردازان، تقسیم بندی خانواده را بر حسب موقعیت‌های اقتصادی و مادی و طبقاتی تقسیم بندی کرده‌اند و مکان و موقعیت شغلی آن‌ها را ملاک تقسیم بندی خود قرار داده اند و برخی نیز مانند سگ‌الین نحوه ی پرورش و تربیت و رفتار بین والدین و وظایف و دستورالعمل‌های زیستی بین آن‌ها را باعث تمیز و تنوع خانواده دانسته‌اند (سگالین 200:1388).

جامعه‌شناسان معاصر به پیروی از آرای مورداک و دیویدچیل آن گونه که ساروخانی در کتاب جامعه شناسی خانواده آن را جمع بندی نموده خانواده را به خانواده ی هسته‌ای، خانواده ی زن، شوهری، خانواده ی زیستی، خانواده ی مرکب و خانواده ی گسترده تقسیم نموده‌اند (ساروخانی، 161:1388).

## 3- نظامی گنجوی

مادر که سپنند ی‌اد دادم	بل‌درع سپنند ی‌هار زادم
در خیط نظامی از نه‌ی گام	بینی عدد هزار و یک نام
و الیاس کالف بری زلا مش	هم با نود و نه است نامش

(نظامی، 411: 21-23)

این سه بیت، خود گویه‌های نظامی است که در آغاز لیلی و مجنون، آن را سروده است و الیاس نظامی گنجوی فرزند یوسف از بزرگان و مفاخر ادب پارسی است؛ تولد وی آن گونه که محمد معین از ریپکا و بیتلس نقل کرده است در سال 535 هجری (1140-1141 میلادی) دانسته‌اند.

«در این که نظامی با سه زبان کردی، ترکی، فارسی و حتی چهارمین زبان علمی و تحصیلی خود "عربی" آشنایی کامل داشته است، تردیدی نیست و لیکن در این که خود وی ن یز دو رگه و به اصطلاح اکدش بوده است، بحثی است» (ثروتیان، 89:1386)

او شاعری متفکر بوده که خود، پی جوی خ‌خانه و خانواده بوده است. چنان که سه بار ازدواج می‌کند هر چند که چند همسری در روزگار او یعنی قرن ششم، امری طبیعی بوده است اما او معتقد به تک همسری بوده و پس از فوت هر کدام از همسران به ازدواج مجدد تن داده است.

نخستین همسر او، آفاق نام داشته که کنیزی قیچاقی بوده و فخرالدین بهرام شاه امری دربند، به او اهدا کرده بود. پس از فوت آفاق آن چنان که در اقبال نامه آمده:

مرا طالعی طرفه هست از سخن که چون نو کنم داستان کهن

در این عید کان شکرافشان کنم      عروسی شکر خنده قربان کنم  
چو حلوای شیرین همه ساختم      ز حلوا گری خانه پرداختم

(نظامی، 520: 24-21)

حاصل این ازدواج‌ها، یک فرزند به نام محمد است. وی در سال 616 هجری در گنجه در گذشت.

### 3-1- جهان بینی نظامی :

نظامی، در قهرن ششم هجری، هم زمان با حاکمیت سلجوقیان بر این سرزمین (ایران) می‌زیسته است. سلجویان چند دهه پس از آن که بویه‌یان شیعی مذهب با اقتدار سیاسی و نظامی خود خلفای عباسی را در بغداد تحت سلطه‌ی خود در آوردند، در صحنه‌ی جهان اسلام (ایران) ظاهر شدند (بازورث، 69:1380). بنابراین یکی از تأثیرات مضاعف رهبری سیاسی امپراطوری سلجوقیان، استقرار و استحکام اقتدار تسنن به عنوان مذهب رسمی و برتر بر سرزمینهای مرکزی جهان اسلام بود. (همان: 71)

بنابراین، پایه و اساس تفکر نظامی را باید در فلسفه آموزه‌های اسلامی و قرآنی جست و جو کرد این نگرش، آفرینش انسان پس از اولین مخلوق یعنی آدم را از طریق نطفه می‌داند و برای هر آفریده‌ای جفتی قایل است و برای جفت یابی یا ازدواج نیز قوانین و شرایطی را وضع می‌کند که مهم‌ترین آن، سنخیت در ایمان و احسان است. بنابراین همین باور است که نظامی بنیان خانواده را بر ازدواج شرعی قرار می‌دهد.

جهان بینی نظامی، فلسفه‌ای است که با ترک دنیا و دنیا‌گریزی که ماهیتی صوفیانه دارد در تضاد است. او اندیشمندی است که زندگی و جهان مادی را با همه زیبایی‌هایش درک کرده و دوست دارد. وی می‌خواهد که انسان‌ها همه غنی و بی‌غم و اندوه باشند و مخالف هر گونه بی‌اعتنایی به جهان و زندگی این جهانی است و بهره‌وری از نعمت‌های خداوند را لازم می‌شمارد. به‌عنوان یک شاعر انسان‌دوست و ظلم ستیز مردم را به مبارزه علیه ظالم و ستمگر فرا می‌خواند. سرودن ابیاتی علیه زر و زور در روزگاری که پادشاه سایه‌ی خدا است سخت جسارت آمیز می‌نماید و تنها نشانه‌ی حس مسئولیت و ظلم ستیزی این حکیم فرزانه است (براتی، 30:1389).

عدم توزیع عادلانه ثروت و قدرت، فاصله انداختن زشتی و زیبایی و عزت و خواری در بین انسان‌ها، بهره‌مندی نادانان و محرومیت عقلا، جوان مرگی و عمر بیهوده برای پیرسالان و اینکه قدرت به هر عنوانی که باشد جنایت خود را توجیه می‌کند (زرین کوب، 27:1386). همه و همه از جمله دغدغه‌های فکری نظامی است و از درون آن‌ها به جهان پیرامون خود می‌نگرد.

### 3-2- مروری بر آثار او

نظامی در عمر نسبتاً طولانی خود آثار گرانباری را بر جای نهاده است که می‌توان آن‌ها را از میراث‌های بزرگ فرهنگی جهان به شمار آورد. مخزن الاسرار، مثنوی خسرو و شیرین، هفت‌پیکر، اقبال نامه و مثنوی لیلی و مجنون که محور مباحث این مقاله است، از جمله آثار او هستند. او در این آثار در استواری و جزالت سبک، خلق تعابیر، استواری کلام تصویرگری و خیال آفرینی، توانایی و هنرمندی در کاربرد اقسام ترفندهای ادبی و بکارگیری اصطلاحات علوم و متون گوناگون و اصول و موازین شریعت اسلامی در مقامی رفیع و پایگاهی منبع قرار داده است. «سبک شعر او و معاصرانش را در سرزمین آذربایجان چیزی بین اسپین و میان دو سبک عراقی و خراسانی دانسته اند.» (احمدنژاد، 16:1375)

اما چون در این مقاله نمی توان به بررسی تمامی آثار او پرداخت ، صرفاً به معرفی مختصر مثنوی لیلی و مجنون بسنده می گردد :

لیلی و مجنون اثری داستانی است. این روایت در اصل به زبان عربی بوده که ملک اخستان پسر منوچهر از شاهان ایرانی شروان ، از نظامی گنجوی می خواهد که آن را به زبان فارسی قرن ششم که با لغات و ترکیبات عربی آمیخته بوده بسراید و نظامی نیز با بیان زیبای خود این کار را انجام داده و به آن وسعت و زیبایی خاصی بخشیده است. لیلی و مجنون در سال 584 هجری بر وزن مسدس اخرب مقبوض محذوف (مفعول، مفاعله، مفعولن) یا مقصود (مفعول ، مفاعله ، مفعول) سروده شده است (ثروتیان 1382:167).

#### 4- جلوه های خانواده در لیلی و مجنون

اساس اندیشه و نگاه نظامی به خانواده ، چنان که اشاره شد ، تعالیم قرآنی و فلسفه اسلامی و جهان بینی زاهدانه است و بر اساس یکی از آیه های قرآن یعنی سوره نساء است که به تعبیر برخی قلم و مکتب مردان را بر زنان بیان کرده است. در این آیه درباره ی ارتباط عناصر اولیه تشکیل دهنده ی خانواده یعنی زن و مرد به دفعات بحث شده است و دستور العمل های حقوقی و رفتاری و کششی بین آن دو را آورده است . بدیهی است که گفتمان رایج عصر نظامی نیز این دیدگاه را مورد قبول و پذیرش قرار داده است.

در آن جهان مرد سالار ، نظامی با زیر بنای فکری خود که آزادی و آزاد اندیشی است او معتقد است که باید با تمام وجود اعتقادی راستین داشت و در آن تمام هستی خود را ره می کرد او به نیکی ها و پرهیز از زشتی پایبند است. شیوه ی او در شاعری نیز م تفاوت و ارزش مند است . وی بسیار عزلت گزین است و این خصیصه وی را باریک اندیش و باریک نگر کرده است و با این دیدگاه است که منظومه ی لیلی و مجنون را آفریده است.

#### 3-3- خلاصه ای از روایت لیلی و مجنون

در سرزمین عرب مردی است که طایفه ی بنی عامر تحت ریاست او قرار دارد . چون فرزندی ندارد ، از خداوند فرزندی طلب می کند . پس از نذر و نیاز بسیار ، خداوند به او پسری عطا می کند . وی را قیس نام می نهند . پدر در ده سالگی پسر را به مکتب می سلپود ، در مکتب دختری زیبارو به نام لیلی قلب مجنون را می رباید . قیس عشق او را در سینه جای می دهد ، لیلی نیز بدو دل می سلپود . عشق آنها رفته رفته عمیق تر می شود و قصه دلدادگی برملا گشته و سرزنش های مردم را به دنبال داشت ! اولین مجازات محرومیت لیلی معصوم و دلداده از مکتب است . مجنون از فراق روی معشوقه به شب زنده داری و بیابانگردی مبتلا می گردد و شبانگاهان آوازه خوان به سوی کوی ج لانان شتافت و قبیله و دیار را به آشوب می کشد . پدر مجنون با دیدن روزگار فرزند با مشورت با بزرگان قوم ، به خواستگاری لیلی می رود اما پدر لیلی با ازدواج آنها مخالفت می کند.

لیلی نیز روزگار خوش و آرامی ندارد به بوستان می رود و راز عشق خویش را با گلها در میان می گذارد فردی راز لیلی را می شنود به مادرش خبر می دهد اما مادر ، راه چاره را در آن منع آمد و شد دخترک می بیند ! ابن سلام که در راه بوستان لیلی را دیده است به خواستگاری لیلی می آید پدر دختر را به عقد ازدواج وی در می آورد. دختر در خانه ابن سلام به یاد مجنون می نالد و می گریخت . ابن سلام که از عشق همسر خود نسبت به مجنون آگاه می شود برای از دست ندادن لیلی سوگند یاد می کند که به نگاهی اکتفا کند . اما طولی نمی کشد که ابن سلام از شدت غم و رنج جان می سپارد . رسم عرب بر این بوده است که زن پس از مرگ شوهر همسری انتخاب نکند ، دو سالی از خانه بیرون نرود و با کسی ملاقات نکند و در این ایام ناله برای سوگ از دست رفته سر دهد . وی به تبعیت از همین سنت می -

نشنید اما سوگواری بودن بهانه‌ی خوبی است که بی‌محابا در فراق مجنون ناله سر دهد موی کند و سر و صورت بخراشد و نوحه‌گری کند.

بالاخره تن لیلی رنجور و بیمار می‌گردد در این لحظات است که راز عشق خود به مجنون را بر مادر می‌گشاید و جان به جان آفرین تسلیم می‌کند. مجنون پس از آگاهی از مرگ لیلی بر مزار معشوق آمد ه «آن سوخته دل نیز سرشکی چون خون فرو می‌ریزد و زبان آتش آلود می‌گشاید و می‌گویند و می‌گریخت و با سوگند به خدا از او خواهد که به حضور یار پیوندد و در آن لحظه که خاک عزیز در برگرفته ای دوست گفت و جان می‌دهد.» (ر.ک. ثروت، 1370: 32-48)

#### 4- نظر نظامی در مورد اعضاء و روابط خانوادگی و خویشاوندان

نظامی در ابتدای کتاب لیلی و مجنون پس از ستایش خدا و نعت پیامبر اکرم از پدرش یاد کرده است و گفته: اگر پدرش همچون اجداد و گذشتگان خود، به سوی مرگ شتافتند و این جهان را ترک گفتند. چاره‌ای نیست با روزگار نمی‌توان جنگید. و راه چاره فراموشی پیشه کردن است.

با دور به داوری چه کوشم دور است نه جور چون خروشم

(نظامی، 414: 18)

چون در پدران رفته دیم عـرق پـدري ز دل بـريـدم

(همان: 20)

اما سوز و فغانی که در مرگ مادر دارد. بیش از مرگ پدر است در غم مادر می‌گوید: غم از اندازه است و عمق غزقابه به گرداب از قامت بلند ما بیشتر است. به نظر می‌رسد، به راحتی مرگ پدر را می‌تواند فراموش کند و چاره کار را در پناه بردن به می‌معنوی که بیواز به آسمان‌ها و معراج را در پی دارد، می‌داند.

گرمها در من ریسسه کرد مادر صفتانه پیش من مرد

از لابه‌گیری که را کنم یاد تا پیش من آردش به فریاد

غم بیشتر از قیاس خوردست گردابه فزون ز قدمرداست

(همان، 415: 2-4)

او محمد را عامل سرایش اثر خود می‌داند که نمودار رابطه‌ی عاطفی بسیار شدیدی است که به میان پدر و فرزند است. در حقیقت فرزندان، نیازهای متعددی از جمله خودنمایی، عزت نفس، کنجکاوی و حمایت دارند نیازهایی منطقی که یک پدر وظیفه شناس باید نسبت برآوردن آنها در حدی متعادل و منطقی اقدام نماید.

نظامی نیز چون پدری وظیفه شناس و مهربان از خواسته‌ی فرزند خود چشم پوشی نمی‌کند و داستان لیلی و مجنون را به نظم در می‌آورد تا وی را خشنود نماید و از احساس غرور و سرافرازی فرزند لذت ببرد. این روابط صمیمانه و احترام آمیز پدر و فرزند قابل تقدیر و ستایش است.

پس از اتمام لیلی و مجنون، نظامی آنرا توسط فرزندش، محمد نزد فرزند شروانشاه می‌فرستد و از شاه می‌خواهد تا از محمد دلجویی کند.

در مورد سایر خویشاوندان و اعضای خانواده نظامی ، اطلاع دقیقی در دست نیست و تنها وی در اوایل کتاب لیلی و مجنون ، با درد و غم از دایی خود یاد می کند و به خاطر علاقه و عواطف زیادی که نسبت به وی دارد ، صبر پیشه کرده ناله و فریاد سر نمی دهد.

گر خواجه عمر که خال من بود	خالی شدنش و بال من بود
از تلمیح گسواری نسواله ام	در نای گشلوشکست ناله ام
می توسم از این کسبود زنجیر	کافغان کنم اوشود گلوگیر

(همان : 9-11)

علاقه به برخی از اعضای درجه دو در خانواده ، بیانگر زندگی گسترده در آن دوره بوده است و نشان می دهد که ارتباط فامیلی بسیار نزدیک تر و تنگاتنگ تر از حال بوده است.

پایبندی به اصل خانواده از موضوع هایی است که در لا به لای داستان می توان باز جست روابط عاطفی قیس بن عامری مجنون و لیلی در واقع گزینش ه سرری با ایده و نیاز و خواست خود است که خلاف عرف و سنت است .  
پا برج ایی دوسوی عشق ، با وجود اینکه فرصت هایی هم برای وصال بدست می آورند ، عشق آنان را ابدی می گرداند. هر چند لیلی به دلیل قدرت و سلطه مرد در خانواده مجبور است ، به دستورات و اوامر پدرش تن دهد و به ازدواج فرد دیگری به نام عبدالسلام در آید . اختلاف قبیله ای بین قبیله مجنون و قبیله لیلی ، اجازه ازدواج آنها را به هم نمی دهد.

#### 4-1- رابطه پدر- فرزندی

در جای دیگری که روابط پدرفرزندی آشکار می گردد ، رفتار پدر مجنون فرزند است . قیس در زنجیر عشق گرفتار است ، از عشق لیلی به خرابه ای پناه می برد و جز ناله و زاری همدمی ندارد . پس از آگاهی پدر از حال وی ، به سوی فرزند می شتابد و چون فرزند را پریشان و آشفته می بیند شروع به پند و نصیحت وی نموده پند و اندرزی که بوی حقارت و خرافات موهوم از آن به مشام می رسد ناگهان ، از خشم عمامه اش را بر زمین افکند که این رفتار نوعی ذلت پذیری و یأس از سر ناچاری به نظر می رسد که رفتار مطلوبی نیست.

چون دیم پدر به حال فرزند	آه سی بسزد و عم سامه بفسکند
نهالید چو مرغ صبحگاه سی	روزش چو شبی شد از سیاهی
گفت ای ورق شکینج دیده	چون دفستر گل ورق دریده
چشم که رسید در جمالت	نفرین که کرد گوشم هالت
شوریده بود چون توبدبخت	سختیش رسد نه این چنین سخت

(همان : 10-17)

بعضی از رفتارهای غیر متناسب و آشفته در مجنون مشاهده می گردد که حاکی از نبود اعتماد به نفس کافی در وی است و ریشه در رفتارها و روابط نادرست و غیر اصولی خانواده دارد مانند:

تبعیض ، به رخ کشیدن نقاط ضعف و عیوب ، مقایسه فرزندان با دیگران ، سرزنش های افراطی ، مراقبت شدید و بی رویه از فرزندان ناز پرورده ی خود که مجنون را به خود پنداره ای ضعیف و ا می دارد به طوری که در بحران عشق نمی تواند به دلیل ضعف شخصیتی مشکلش فایق آید و به نتیجه ی دلخواه برسد و میل به انزوا را در وی شعله ور گشته به طوری که سر به کوه و بیابان می گذارد و با حیوانات مأنوس می شود !

پدر مجنون ، پس از پرس و جو از اهل خانه و آگاه شدن بر عشق فرزند به دختری از قبیله ای دیگر اندوهگین شده و تنها راه چاره را در این می بیند که دختر را خواستگاری نموده و به عقد فرزندش در آورد پدر با افراد قبیله که نقش خویشاوندان نزدیک چون برادر یا عمو را ایفا می کنند ، به سوی قبیله لیلی به راه می افتند و به سوی منزل لیلی می روند پدر خود را مهم ترین فرد طایفه معرفی می کند و از جاه و مقام و تمکک خویش سخن به میان می آورد، نکته ای که امروزه نیز در مراسم خواستگاری اهمیت ویژه ای دارد.

پدر لیلی از این وصلت ناراضی است و علت های اصلی نفا خرسندی خویش را بیان می کند اول ، عدم سلامت روحی مجنون و دوم ، ملامت و سرزنش افراد قبیله.

در گذشته اعراب به صورت قبیله ای اداره می شده و خانواده گسترده بوده است . صمیمیت و دوستی ها زیادتر از خانواده ی هسته ای کنونی بود ، اما همین امر موجب دخالت افراد قبیله در تصمیمات مهم زندگی در نتیجه تعیین سرنوشت برای جوانان گردیده است . هنوز هم در پاره ای از نقاط به همین شکل تصمیم گیری صورت می گیرد.

در جامعه ی «مرد سالاری» قدرت در دست مرد است. مرد تصمیم گیرنده ی مطلق اقتصاد خانواده است. تصمیمات اصلی از جمله ازدواج و تعیین سرنوشت به عهده ی اوست سیمای پدر در جامعه مرد سالاری بسی هولناک و رعب آور است و نه تنها زن را از میدان به در می کند بلکه فرزندان را منکوب کرده و حق تنبیه و طرد آنان را دارد !

می توان گفت : این نوع از روابط خانوادگی در قرن ششم نیز رایج بوده به همین دلیل نظامی این نوع خانواده را در قالب اشعاری به نظم می کشد و انتقادات خویش را به گونه ای زیرکانه در اشعارش نشان می دهد .

لیلی نیز پرورش یافته ی جامعه مرد سالار است . جامعه ای غرق در تعصبات موهوم. بنا به گفته ی سیرجانی در این سرزمین وای به حال دختر و پسر جوانی که با نگاه، علاقه ای رد و بدل کنند که کودکان هم درس با همه کم سالی و کم تجربگی ، نگاهی همراه با م عصومیت را از مقوله ی گناهان کبیره می شمارند و کف زنان و ترانه خوانان به رسواگری می پردازند و کودک معصوم را از تحصیل علم و انتخاب همسر باز می دارند (سیرجانی 11:1388). در این جامعه حق ازدواج که از مشروع ترین حق طبیعی هر انسان است به عهده ی پدر و افراد قبیله است دختر حتی جرأت اظهار عقیده ندارد!

#### 4-2- نقش مادر در منظومه ی لیلی و مجنون

نظامی در چند جای منظومه ، از مادر لیلی سخن به میان می آورد که بیشتر نقش شنونده ی کم قدرت و ضعیفی را ایفا می کند می شود تنها به او لقب سنگ صبور داد .

مادر چوز دور در پمیر دید      الماس شکسته در جگر دید

(نظامی، 516: 14)

و در جایی دیگر آگاه شدن مجنون ، از مرگ مادر وی را سخت متأثر می سازد که نمود از نقش عاطفی مادر در صحنه ی خانواده است .

مجنون ز رحیل مادر خویش      زد دست دریغ بر سر خویش

(همان، 519: 3)

و در جایی دیگر هنگامی است که دانه ی راز ، سر عشق لیلی را نزد مادر فاش می کند و مادر لیلی با شنیدن حکایت فرزند آشفته و حیران گشته و با خود می گوید ، اگر او را به حال خود بگذاریم بیم آن دارم که مانند آن دیوانه ی غریب ، مست و از خود بی خود شود و اگر هم از او صبر و بردباری بخواهم توانش را ندارد.



مادر ز پسی عروس ناکام سر گشته شده چو مرغ در دام  
می گفت گرش گذارم از دست آن شیفته گشت و این شود مست

(همان، 450: 9-10)

و یا هنگامی که مرگ لیلی فرا می رسد از عشق خویش نسبت بهمجنون در مقابل مادر اعتراف می کند.

چون راز نهفته بر زبان رانند جانان طلبید و زود جان داد

(همان، 555: 17)

نقش کم رنگ زن در منظومه لیلی و مجنون متأثر از جامعه مرد سالار حتی صدای شخصیت اول داستان در برابر صداهای دیگر آن چنان که باید به گوش نمی رسد. وی حق انتخاب شوی و اظهار عقیده ندارد، لیلی در این محیط سراسر خشم مجبور به تسلیم در مقابل اوامر پدر و افراد قبیله و ع زلت نشینی است. و در نهایت به او تهمت بی وفایی نیز می زنند.

زن گونه یکی هزار باشد	در عهد کم استوار باشد
چون نقش وفا و عهد بستند	بر نام زلفان قلم شکستند
زن دوست بود ولی زمانی	تلاجز تو نیافت مهر بانی

(همان، 478: 18-20)

#### تأثیر استبداد جامعه در رفتار اعضای خانواده

به حقیقت استبداد خانواده و جامعه چنان انسان را به رذالت و پستی می کشاند که افراد پاک و صدیق را به موجودی فریبگر و ریاکار بدل می سازد. به عنوان مثال: در جامعه‌ی سراسر ظلم و ستم و به دور از عدالت فرزندان مورد تهدید و زور گسویی های پدر قرار می گیرند و نتیجه آن می شود که دخترک معصوم و صادقی چون لیلی به ریا کاری مبدل می گردد که در خانه شوی و در عشق مجنون می گیرد و با دیدن ابن سلام اشکه اش را به بهانه ی مالیدن چشم پاک می کند. در عزای شوهر از عشق مجنون ضجه می زند و به ظاهر نام ابن سلام می آورد و با تظاهری نادل پسند فریاد و اشوهرا سر می دهد (سیرجانی، 1388: 14).

به نظر می رسد این خفقان و استبداد از سوی خانواده چنان ح پیئت زن جوان را در جامعه ی پر تعصب عرب به خطر می اندازد که بیشتر از گوشه چشم نگاه کردن طفل هفت ساله مایه ننگی بر جبین خانواده می گردد. رفتار و سرانجام ابن سلام انعکاسی مستقیم از جامعه ی مستبد خود است به طوری که در شناخت راه نجات خود عاجز می ماند و توان همراه ساختن لیلی را ندارد و نه قادر به تغییر اندیشه است بالاخره در شکیبایی و رنج جان می - بازد.

#### 3-4- روابط همسر

روابط همسر در لیلی و مجنون نمودی ندارد؛ گویی در بین زن و شوهر هیچ گونه مشورت و نظرخواهی در مورد فرزند انجام نمی گیرد.

#### 4-4- روابط خویشاوندان

روابط دیگر اعضای خانواده نمودی ندارد و از میان همه ی خویشاوندان فقط دائی مجنون است که به عنوان چاره، برای نجات مجنون به بیابان می رود اما نمی تواند در سرنوشت مجنون تأثیرگذار باشد.

## نتیجه گیری

نظامی، یکی از چهره های برجسته ی ادبیات کلاسیک فارسی است که در آثار وی می توان ردپای مسائل خانوادگی را پی گرفت. او در آثار خویش از جمله لیلی و مجنون، عملاً پایه های سازه ی خانوادگی را مورد بررسی قرار می دهد. نگاه نظامی به اصل خانواده بر مبنای تشکیل خانواده است در جایی این تشکیل خانواده باید از صافی فرهنگ عرف و قبیله عبور کند.

البته نظامی این امر را در زندگی خود هم تجربه کرده است و با کنیزکی که به او داده اند ازدواج می کند و اساس خانواده را بنیان می نهد هر چند این کنیزک یا (آفاق قیچاقی) عمر چندانی نمی کند و با بر جا گذاشتن فرزندی می میرد اما نظامی همچنان پای بند خانواده است، سنت و باور آن دوره ایجاب می کند که همواره کانون خانواده گرم بماند در نتیجه پس از مرگ همسر اول، به ازدواج دوم تن می دهد وی در این ازدواج نیم نگاهی هم به سرپرستی فرزند دارد اما این همسر هم در خانه نظامی چندان نمی پاید و در می گذرد. در نهایت به ازدواج سوم تن می دهد همه این موارد آن چه که از منظر این مقاله دارای اهمیت و قابل تأمل می باشد پای بندی نظامی به اصول خانواده و چهارچوب های قانونمند در این عصر است به عبارت دیگر نظامی چه در مسائل عملی و چه در مسائل نظری پای بندی خود را به خانواده نشان می دهد.

ماجربایی که نظامی به تصویر می کشد. حکایت دخترکی است که به اندک جرمی، ردای بی آبرویی را به دوش کوچکش می اندازند و وی منافقی می سازد با فرجامی ناخوش و درد افزا! جامعه در لیلی و مجنون تاریک، خرافاتی، استبداد زده و مختوم به خواسته های بزرگان قبیله ای است که خود قربانی نسل های قبل است. و در چنین اجتماعی زن جایگاهی ندارد و نقش خدماتی و وظیفه ی مداوم نسل و نگهداری از مایملک را بر عهده دارد کوچکترین اظهار نظری او را به میدان تقابل با قدرت مطلقه ی مرد می کشاند!

زنان خود نیز این باور کم اندیشی را به زنان نسل دیگر منتقل می سازند آنان بردگان کم بهایی هستند که طبیعت از جهت نسل برتر یعنی مرد به جامعه تحویل داده!

نظامی حکیم، جانب انصاف را رعایت کرده مرد قدرتمند، مرد کامل نیست پدر مجنون که نقش برجسته ای در طایفه ی خویش ایفا می کند حتی در تربیت فرزند خویش نیز نا پخته می نماید و از رنجش فرزند عمومه از سر افکنده عجز خود را آشکار می نماید!

رابطه پدر فرزندی در لیلی و مجنون نمودی آشکار دارد. ازدواج به شکل درون همسر و به انتخاب بزرگان قبیله صورت می گیرد. پدر به عنوان قدرت مطلق در خانواده نمود بیشتری دارد. رابطه ی مادر و فرزند بسیار کم رنگ است و مادر بیش تر نقش شنونده ای کم قدرت و ضعیفی را ایفا می کند که می شود تنها به او لقب سنگ صبور داد. خواهر و برادر در این منظومه نمودی ندارند و از میان خویش اوندان فقط از دائی مجنون سخن به میان می آید که برای چاره گیری به سوی بیابان ره سپار می شود. به طور کلی خانواده در لیلی و مجنون خانواده ای مردسالار، تک همسر، گسترده و به دور از نقش همه ی اعضاست.

## کتابشناسی

- احمدنژاد، کامل (1375)، تحلیل آثار نظامی گنجوی، چاپ دوم، تهران: پایا
- انگلس، فردریک (1386)، منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، مترجم: خسرو پارسا، تهران: دیگر
- بازورث؛ دارلی دران، دابلو، راجرز، کاتن، لمبتون، هیلنبراند (1380)، سلجوقیان، مترجم یعقوب آژند، تهران: مولی
- براتی، محمد رضا (1389)، جادوی سخن، مشهد: آهنگ قلم
- برناردز، جان (1388)، درآمدی به مطالعات جامعه، مترجم: حسین قاضیان، چاپ دوم، نی
- ثروت، منصور (1370)، مجموعه مقالات فروغ آزادی، داستان لیلی و مجنون به نثری ساده، تبریز: شمس
- ثروتیان (1386)، خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای، تهران: امیرکبیر
- \_\_\_\_\_ (1382)، اندیشه نظامی، تهران: آیدین
- زرین کوب (1386)، پیرگنجه در جست‌وجوی ناکجا آباد، چاپ هفتم، تهران، سخن
- ساروخانی، باقر (1389)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ دوازدهم، تهران: سروش
- سگالین، مارتین (1388)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، چاپ پنجم، تهران: مرکز
- وحید دستگردی، حسن، الف (1386)، کلیات، چاپ دوم، تهران: زوار